

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

حبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان سطر
دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

شنبه ۱۰ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲ شهر یورماه جلالی ۸۲۹ و ۲۰ اوت ۱۹۰۷ میلادی

(جمله عالم آكل و ماكول دان)

درما لکیکه سلطان قانون حاکم مطلق و فاضل بین حق و باطل است تمام طبقات حدود قانونی خود را شناخته تخطی و تجاوز از حد و خود نمیکند پای از کایم خویش درازتر نمینمایند قدمی باندازه بر میدارند و حرکتی بقاعده نمیکند - احیانا اگر یکفتری متجاسرا از میزان مقرر تخلف ورزید در چنگال قهر حضرت قانون بطوری فشار میابد که از کرده نادام و توبه و انابه را عازم میشود سایرین نیز از مشاهده قهر مانیت قانون حساب کار خود را گرفته بقول معروف (سری برای پائی برای) حرکت میکنند آهسته آهسته میروند تا گرفتار شاخ کربه نگردند و بمروور ایام اعتدال و استقامت بمتابه یکخوی و خصلت فطری میگردد و از درجه عادت ترقی کرده بر تبه طبیعت میرسد - انوقت استکه همه افراد يك ملت بنظر تساوی در یکدیگر نگاه میکنند رفیق خود را هم مثل خود دیده همان حقوقیکه برای خود قائلند در حق رفیق نیز مقرر میدارند همانطور که از شنیدن يك کلمه نامربوط منزجر میشود و مخمل شرفی خود میداند همچنین در ماده دیگران نیز اخلال شرف را جایز نمیداند یعنی راضی نمیشود نه کسی بدو ناسزا گوید و نه خود نیز بد دیگری ناسزا گوید خود را از زمره کروبیان و خلق را بستر از مورچه گان تصور نمیکند - نه مال بکسی میدهد و نه توقع بمال مردم دارد یقین میداند که همانچوب که بدن او را درد میآورد بدن همچنان را نیز صدمه میزند هیچ گوشت و پوستی با چماق و چوب آشنائی ندارد اگر يك چوب بکسی زند مییاست که خود نیز زهر همان چوب را بجشد هر گز توقع ندارد که احترام فامیلی و شرف خانوادگی او را از دست غضب

قانون مستخلص سازد -

ولی در هر نقطه که قدرت قانون ضعیف شود و آراء شخصیه بر مواد قانونی سبقت گیرد خداوندان استیلاء از حدود خود تجاوز کنند و دست تعدی بطرف ضعیفان دراز نمایند عرصه آن ملک شبیه گردد به بیابان و سیمی که انواع حیوانات از درنده و چرلده و خزنده و پرند و بزرگ و کوچک قوی و ضعیف در او متفرق و هر يك قوت خود را از گوشت و خون دیگران بداند پس همیشه حیوانات بر قوت چون شیر و پلنگ و ببر بر سایرین استیلاء یابند بکیرند و بزنند و بکشند و بخورند و بعد از آنها طبقه دویم چون گرگ و خوک و غیره بر دیگری پریده طعمه خود سبازند و بهمین طریق هر طبقه در چنگال زیر دستان عاجز و بدهور و برای زیر دستان قاهر و غالب حساب و کتاب در کار نباشد و هر کس زورش بهر که رسید میگوید بروا و ملاحظه و انصاف در آنجا یافت نشود پس همه طبقات آكل و ماكول شوند ضعیفان را بخورند و خود طعمه بزرگتران کردند - و بعبارت دیگر یا حاکم مطلق باشند یا محکوم مطلق بهر کس زورشان رسد حکم کنند و از هر کس بترسند اطاعت صرفی اظهار نمایند - چنانکه در وطن عزیز ما رسم است سر جان ملک مورخ انگلیسی در حق ایرانیان میگوید این قوم معنی آزادی و قانون را نمیدانند زیرا که ایرانیان از اعلی و ادلی حالتشان اینست که یا زور صرف بگویند یا زور صرف بکشند حتی آنکس که نهایت درجه ضعیف است در خاله برای زن و بچه و عیال خود حاکمیت بالاستقلال دارد و کمان میکند این زن و بچه

باید بدون سؤال
عمل بیاورد اگر
میشود که چون از
بمحض ورود بخا
بدون آنکه تقصیر
چندانکه میخواهد
ملول نمیشود زیر
چیزها میداند ح
که نه تو باید بزن
کند همه در حقوق
صاوی و برابر
باری مسئله آكل
حیوانات آكل و ما
یکدیگرند کارها
بچشم می بینم يك
و وزراء عظام ما
يك امری دیگر
او را نوش جان
دویم را میخورد
مدتی مطرح مذاکره
میان برد واقعه
محاكمه آصف الد
وقته ارومیه عمل
راستی اینهمه جو
محل محاکمه را
فرماندها گرفتند
جل المتین مسئله
امور باهم متفق
محاکمه یحیی میر
برطاق لسیان نهاد
صفحه ملک معدوم
ملی رانیست و نا بود
بانک نه امنیت نه آزادی
از آن میترسم که
کلمه مشروطیت را
نموده مجلس را بر
کت بسته بدست حریت
انجام داد
صواب خود مراجع
بنا بخواهش
برای قانون بلدی

باید بدون سؤال و پرسش هر چه خاطرش میخواهد عمل بیاورد اگر چه فعلی قبیح هم باشد حتی گاهی میشود که چون از خارج توسری خورده و متعیر است بمحض ورود بخانه آن بنوایان را بیاد چاق گرفته بدون آنکه تقصیری برای آنها اثبات یا اظهار کنند چندانکه میخواهد میزند و عجب آلتکه زن هم چندان ملول نمیشود زیرا که لازمه شوهر دار بر این نوع چیزها میدانند حالا باین آدم چطور میشود حالی کرد که نه تو باید بزت بزنی و نه اربابت نسبت بتو ظلم کند همه در حقوق انسانیت و حفظ شرف و مال و جان مساوی و برابر هستید هرگز باور نخواهد کرد باری مسئله آکل و ماکول در ایران خیلی رواج دارد حیوانات آکل و ماکول یکدیگرند مردمان آکل و ماکول یکدیگرند کارها نیز آکل و ماکول یکدیگرند زیرا که بچشم می بینیم یک امر خیلی مهمی که مدتی وقت و تلاء و وزراء عظام ما را مشغول کرده بوقت بواسطه حدوث یک امری دیگر بگئی محو و معدوم میشود و کار ثانوی او را نوش جان میفرماید بعد اقره ثالث پیدا شده کار دوم را میخورد و هكذا مثلا واقعه شیراز و آشوب قوام مدتی مطرح مذاکره کردید واقعه رحیم خان او را از میان برد واقعه ماکو مسئله رحیم خان را پایمال کرد محاکمه آصف الدوله واقعه ماکورا از خطر بدر برد و فتنه ارومیه عمل محاکمه را یکجا فرو برد خوب راستی اینهمه جوش و خروش که در مجلس نمودند و محل محاکمه را در خود مجلس مقرر داشتند و بر فرمان فرمایراندا کوفتند چه شده که یکمرتبه خاموش گردید توقف حبل المتین مسئله ملک لتجرا مضمحل ساخت و همه این امور باهم متفق شده قانون اساسی را حیف و میل کردند محاکمه یحیی میرزا کار منافقین حضرت عبدالعظیم را بر طاق لسیان نهاد و شمل منافقین مسئولیت وزرا را یکی از صدها ملک معدوم نمود و مجموع دست بهم داده بانك ملی را نیست و تا بود کردند پس ماحلا هیچ قدریم چیزه قانون نه بانك نه امنیت نه آزادی نه مسئولیت نه محاکمه نه مجازات من از آن میترسم که همه کارهای فوق متحد شده و باتفاق کلمه مشروطیت را از میانه بردارند و مشروطیت هم غضب نموده مجلس را برهم زند استقلال ملت را محو سازد کت بسته بدست حریف بیارد و ما مور محترم خدمات راجه بخود را انجام داده بعد از ختم عمل به مرکز سابق خود مراجعت فرماید تارای رفقاء چه باشد

(راجع به بلدیہ)

بنا بخواست جمعی از برادران دینی وطن دوست برای قانون بلدیہ آنچه بنظر جان تار رسیده و مدنهای

مدیدی در میان اغلب دول لشو و نما کرده و دیده وجهه این قانون همه اهالی آنها در راحت بوده اند مرض میرسانم شاید قبول انظار افتد اولاً بلدیہ بسته بنظمی است اگر نظمی نباشد اداره بلدیہ درست کردن ممکن نخواهد شد وثایاً نظمی که موقوفی علیه اداره بلدیہ است منوط بچند مطلب است ابتدای این کار لازم است که مهندس کامل و با علم نقشه شهر را بکشد و اندازه بزرگی و کوچکی و زیادی و کمی جماعت شهر انتخابات تعیین کند مثلاً در شهرهای کوچک پنج هزار نفر یک کدخدا تعیین بکنند آن کدخدا باید باهل شهر خبر بدهد در اداره کدخدا از برای رئیس بلدیہ و نظاریه و غیره از میان خودشان باقرعه انتخاب بکنند در شهرهای بزرگ مثل طهران و غیره باید همه شهر را بدو قسمت تقسیم نمایند از روی نقشه و تقسیم جماعت که عدد نفوس بیست هزار نفر یا قدری کم و زیاد برسد یک شخص با علم و امین و درست کار تعیین بکنند یک کدخدائی و چند نفر معین از برای یک نفر کدخدا تعیین خواهد شد که در تقسیم نظامنامه بلدیہ به عرض خواهیم کرد این کار را حکومت و رئیس نفلیه به کدخدای هر محل رسماً می نویسد و در روز نامه های شهر هم اعلان میکنند که باید فلان روز و در فلان ساعت اهل محلها به اداره کدخداهای خود شان جمع بشوند از برای انتخابات بلدیہ اشخاصی که انتخاب بلدیہ میکنند باید رعیت ایران باشد صاحب ملک و خانه کوچک یا بزرگ و باینکه اهل تجارت و از میان جماعت هر محل صد نفر انتخاب بکنند بعد از ختم شدن انتخاب دوباره از میان صد نفر ده نفر انتخاب بکنند از برای مستخدمین بلدیہ و نظارۀ بلدیہ بعد از تمام شدن انتخابات کدخدای هر محل اسم و رسم منتخبین را پیش نهاد حاکم ولایت بکنند ثبت و ضبط بکنند وقتی حکومت این انتخابات را ملاحظه کرده اعلان در روز نامه های شهر می کند و رسماً بکدخدای هر محل مینویسد که اعلان محل خودش را بدهد که در فلان روز در فلان ساعت منتخبین از برای بلدیہ که انتخاب شده اند باید در اداره حکومت حاضر بشوند در حضور حکومت و در حضور چند نفر از اداره وزیر داخله قرعه بکشند صورت اسامی اجزاء بلدیہ و غیره بتفصیل ذیل است رئیس بلدیہ یک نفر - معاون یک نفر - اجزاء مخصوص دو نفر - حکیم ده نفر - مهندس ۵ نفر - منشی هندسه دان پنج نفر - رئیس اداره منشی ها و هیزه یک نفر - تحویلدار یک نفر - از برای مالیات تصرف و غیره پنج نفر ترتیب قرعه کشیدن بیش از وقت چند عدد صندوقچه حاضر کرده در آن مجلسیکه قرعه

خواهند کشید بگذارند و نقل بکنند و بالای صندوقچه را سوراخ میکنند از برای فرعه علاوه بر این بیش از وقت همه کس اختیار دارد نگاه کند که میان صندوقچه خالی باشد هر کس از این جماعت اختیار دارد که خالی باشد از برای خدمت بلدی و همه کس اختیار دارد که دیگری را نشان نهد که او را تعیین میکنند بخدمت بلدی آنوقت هر قدر آدم که داو طلب شده و یا اینکه نشان داده اند برای خدمت بلدی آنقدر صندوقچه می گذارند در بالای صندوقچه ها اسم و رسم آن اشخاص را در یک پارچه کاغذی ثبت کرده بچسباند و از آن اشخاص ها که اسم آنها ثبت نشده يك يك میروند پیش حکومت از حکومت با میل خود سنک سفید یا ورقه و سیاه گرفته بالای صندوقچه اسم و رسم متخین را خوانده باطلاع حکومت می اندازند بمیان صندوقچه اینکار مخفی می شود کسی مطلع نمی شود بعد از تمام شدن صندوقچه ها را باز میکنند هر قدر سیاه و سفید شد می نویسند بعد از تمام شدن همه صندوق را ملاحظه میکنند سفید هر کس زیاد است آن انتخاب شده است و علاوه بر این بعد از اتمام مستخدمین باید نظاره بلدی را از میان این صد نفر لامحاله شصت نفر اهل نظاریه بلدی انتخاب بکنند از برای کوچه و بازارها و از برای نان و گوشت و آب و غیره لامحاله در مدت یکسال کمتر از پنجاه دقه اجلاس نمی شود و مصاحبت و دراء بلدی باید در مدت سال لامحاله پنجاه دقه شورا و مصاحبت کرده رسیدگی بکار شهر بکنند و علاوه بر این اهل نظاریه همیشه اختیار دارد که رسیدگی با موراد بلدی بکنند و هر کس از مستخدمین در تکلیف خود و کار خود تخلف کند باید مجازات بشود با استطاعت اهل نظاریه و اگر هر کس از مستخدمین ناحوش باشد و یا اینکه بیل خود استفا بدهد آنوقت از میان اهل نظاریه هر کس ورقه یا سنک سفیدش در وقت فرعه کشیدن زیادتر بود او را تعیین خدمت بلدی میکنند اگر هر کس چند نفر از آن نظاریه که ورقه سفیدش يك فرار بود آنوقت باید آن شصت نفر دوباره از میان خودشان مجددا فرعه بکشند و وقتی که یکی از اهل نظاریه استفا داد و یا ناحوش شد و یا اینکه وفات کرد و یا اینکه از اهل نظاریه بخدمت بلدی داخل شد آنوقت از این اشخاص هر کس ورقه سفیدش بیشتر است او را به نظاریه انتخاب میکنند و قاعده خدمت بلدی و نظاریه کلا چهار سال میشود و هیچ کس اختیار ندارد بی قصیر یکی را معزول نماید باید قصیر مستخدمین بلدی و نظاریه اول نظاریه بلدی استطاعت بکند اگر قصیر کار شد آنوقت باید دیوانخانه عدلیه رسیدگی کرده هر طور لازم است آن طور رفتار نمایند همه اینها باعث

آبادی مملکت و زیاد شدن جماعت و کوشدن کور و عاجز و گداست که آبروی مملکت را می برند و در پیش خارجه رسوا میکنند اجراء این قاعده اهل مملکت را آسوده میکند و مردم از دزدی کناره می کنند این بلدی باعث ترقی داد و ستد و ارزای بلدی در ولایت خارجه از همه دیوانخانه ها منظم تر و بزرگ تر است بلدی نباشد مدارس دارالفنون نمی شود کوچه ها از خاک و شباب پاك نمی شود هوای شهر را صاف و تمیز میکنند آب را فراوان می سازد و در میان جماعت مزاج را کم میکند فصل تابستان هوا را خنک می کند شهر را بزرگ میکند شغل برای مردمان بیکار پیدا میکند رفقه رفقه که بلدی با قاعده شد احتیاج ما با جانب مرتفع میشود و مجبور نه میشویم مثل مسیو فوزا و زیر کنیم که هم پول مملکت را ببرد و هم اسم و حشگری بجماعت ایران لقب تازه بدهد اگر بلدی باشد خوانین ایران فرزندان خود را با مخارج کزای بولایت خارجه ار برای درس و علم روانه نمی کنند وقتی که میروند خارجه از بس که وقت تربیت گذشته همین زمان واسطلاح تنها یاد می گیرند می آیند به ایران اسمش می گذارند که تربیت شده است خیال نمی کنند که از برای تربیت هفت و هشت ساله لازم است نه اینکه وقتی که پدر می شود میروند بتحصیل علم و کمال همه اینها بسته ببلدی است و از زمان شدن همه میوه جات و زیاد شدن مداخل جماعت ممکن می شود مدارس دارالفنون و مدارس و مریضخانه دایر می کنند و جماعت را بیدار می کنند که بعد از این از خارجه مذهب و بیان که از رعیت خارجه تر سیدس لازم نیست (علی بك شیدا زاده مهندس)

خلاصه مذاکرات مجلس دار انشوری

یکشنبه ۸ شهر رجب

بعد از قرائت و تصحیح چند ماده از نظامنامه وزارت داخله آقای آقا میرزا سید محمد مجتهد اظهار فرمودند که دیروز اینجا گفته شد که بعضی محرك دارند حضرات تماشاچیها و اصناف چنین گمان کردند که این نسبت باینها داده شد در صورتیکه مقصود این نبود البته اینها هر چه مطالبه میکنند و میگویند حق است مقصود این بود که از بعضی جاها بعضی اشخاص داخل این جماعات هستند که محرك فتنه و آشوب میباشند لایحه از آقای آقا سید جمال الدین مجتهد ارجاء قرائت شد که مجلس و وزراء چند روزی از برای دفع غائله و اغتشاش مهلت خواسته بودند در این مدت هیچ اثری ظهور نکرده حال اگر تا سه روز دیگر اصلاح مفاصل را نمایند عموم ملت را نتوان جلوگیری نمود و میگویند

خودمان حاضر
لایحه از انجمن
اسلام و مجلس
جلوگیری از
خواستار بود
در رفع آن
نشود خود
خواهند نمود
از وکلاء محترم
این مطلب بمیان
همین طور بمیان
يك از وکلاء
دادند جمعی را
اخراج و تبعید
که باید بوزیر
و جدا اقدام
که حجج اسلام
این بود که باید
نمود و در همان
قانون اساسی
دیگر هیچ
در رفع و جلو
مقدمات و طریقه
همیونی کمال مساء
فرمودند و قسم
مجدد و مساعی
رعایا بود و میباید
طرف مؤید السلط
از مقامه است و
مقاطعه بدوات
شد بدوات بپردازد
هرگاه انانی را
اضافه بر طمعه
قرار شد در روز
هم قرار آن بروز
در خصوص اصلاح
قدری افزوده و
آن طور که مقصد
مجلس میخواهد
از آن مواجبهای
ضمنا از تشکیل
گفته شد که مجلس

خودمان حاضریم که دفع و رفع مفسدین را بنمائیم لایحه از انجمن اصناف قرائت شد و اذن از حجج اسلام و مجلس خواسته بودند که اقدام در رفع مفسدین نمایند جلوگیری از نشر انواع و روزنامهجات منطبقه زاویه مقدسه را خواستار بودند و ناسه روز مهلت که اکثر در رفع آنها اقدامی از طرف دولت و مجلس نشود خود ملت بهر طوریکه صلاح دیدند اقدام خواهند نمود در این خصوص مذاکرت زیاد شد بعضی از وکلاء محترم اظهار داشتند که دیروز حضور اعلی حضرت این مطلب بمیان آمد فرمودند که این امر با علم است و اگر همین طور بماند خودشان کم کم تحلیل خواهند رفت هر يك از وکلا در رفع و دفع حضرات بیانی نمودند و رائی دادند جمعی را عقیده این بود که باید از زاویه مقدسه اخراج و تبعید بجای دیگر نمود بعضی را رای این بود که باید بوزیر مسئول که وزیر داخله باشد رجوع شود و جدا اقدام نموده رفع نماید بعضی را عقیده این بود که حجج اسلام باید رفع این غائله را بنمایند بعضی را رای این بود که باید جلوگیری از اعمال و افعال قبیحه آنان نمود و در همان جایشند بعضی هم اظهار داشتند که اگر قانون اساسی زودتر تمام شده بصرحه همیونی برسد دیگر هیچ مستمسکی ندارند و قهرا خواهند رفع شد در رفع و جلوگیری آراء متفق بود فقط اختلافی در مقدمات و طریقه آن بود اظهار شده که اعلی حضرت همیونی که مال مساعدت و همراهی و مراحم را با مجلس مقدس اظهار فرمودند و قسمهای مبارکه قسم یاد فرمودند که همه نحو مجد و مساعی در پیشرفت مقاصد مجلس و رفاهیت عامه رعایا بوده و میباشیم در خصوص تلکرافخانه لایحه از طرف مؤید السلطنه قرائت شد که امائی بودن آن بهتر از مقاصد است و در امائی تقبل می نمایم که بهمان مقدار مقطعه بدوات بد هم با کمال نظم و ترتیب اگر زیاد شد بدوات بپردازم و اگر کسر آمد از کسبه خود بدم هرگاه امائی را مجلس قبول نکند در صورت مقطعه اضافه بر مقطعه حالیه قبول میکنم بعد از مذاکرات زیاد قرار شد در روز سه شنبه ختم شود و در خصوص شیخ هم قرار آن روز سه شنبه افتاد که نتیجه گرفته شود در خصوص اصلاح مالیه مذاکره شد و گفته شد که از جمع قدری افزوده و از خرج هم قدری کاسته میشود ولی نه آن طور که مفسدین در اذهان مردم جا میدهند که مجلس میخواهد حقوق مردم را قطع یا کم نماید فقط از آن مواجبهای کلی و فوق الماده قدری اصلاح میشود ضمناً از تشکیل بانک مذاکره و در خصوص خالصجات گفته شد که مجلس بهر کدام یکی از آن سه صورتها که در

پیش دادند رای میدهد اظهار شود بعد از مذاکره قرار برای روز سه شنبه شد (مجلس ختم شد)

(راپورت از رشت ۳ رجب)

چند روز است معزز السلطان کارگذار گیلان حضرات تبریز بهما را جمع کرده عقد اتحاد بسته از مکتوبات خواطرشان چیست بعد از معلوم شدن عرض خواهد شد حال طوائش بس و خیم بنظر میاید الحال که خبر رسیده سره ر امجد خیال عزیمت گیلان دارند همچنان غریبی از طوائش شنیده میشود اگر این خبر وحشت اثر صحت داشته باشد باید حال طوائش را مثل حال اقبال السلطنه و ما کوبرای العین دید شاندرمن که متعلق بمیرزا نورالله خان وزیر است هم مسالك است هم حاکم رعایای میرزا نورالله خان بماسال و نواح او و ماسوله آتشی میزند رمضان نام آدم کر بلائی حاجب کدخدای میرزا نورالله خان در بیلاق ماسال بر سر مش خانه وار ریخته هر چه داشته اند برده اند و از هر جا که دست شان میرسد کوتاهی ندارند رمضان نام با چند نفر سوار بشکل قطاع الطریق بندگان خدارا اسیر وار اموالشان را منسوب خودشان راهم سرگردان می کنند از دست رعایای شاندرمن ملکی وزیر خواب راحت بحول و حواشی شاندرمن حرام شده اسب امسال حاصل ابریشم خوب شده از قرار مسموع راندهاں بیله امسال از یار سال خیلی کمتر است علت این مسئله دو چیز است یکی تخم کرم پيله از طرف نظارت اداره تقشیش ملاحظه نمی شود و ما ام این اداره را در جراید می خوانیم و هنوز وجود و عدمش ثابت نشده یکی هم عدم نظارت محل که دانه این کرم گذاشته میشود (تلمبار) و بی ترتیبی حفظ الصحه این حیوان کثیر المنفعه نفاق و تفرقه کلمه اهالی به هوای گیلان هم سرایت کرده اوایل از قلت آب اغلب مزارع نزدیک به تلف و بلکه بعضی هم تلف شد و اواخر از کثرت باران در بعضی جاها که حاصل برنج بکلی ضایع شد حتی در توالم برای شکار سوی مزارع می رفتند خداوند خودش تفضل بر ما بد ارزاق در غایت گرانی است حاصل توتون هم اغلب سوخت شده عمل تجارت بکلی از دست رفته مطالبات تجار وصول نمی شود قوت و لکری روس برای کشته شدن يك حیدری که شهرت داده شده بود که جیسار نام رعیت روس کشته است راضی به حاکمه شرعی شده از طرفین وکلا تعیین شده در محضر حاجی خمایی با حضور چند نفر از وکلا محاکمه شود اگر قتل بودن جبار ثابت گردید مجازات قانونی خواهد داد حسن الحسینی الکاشانی